

## به استقبال روز اول ماه مه، روز هم بستگی کارگران برویم!

بگذار دشمنان به نماز وحشت بایستند، خاطره ی روز اول ماه مه همیشه جاوید خواهد ماند. در اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) سال ۱۸۸۶، بیش از ۳۵۰ هزار کارگر از ۱۲ هزار کارخانه در آمریکا برای پایین آوردن ساعت کار از ۱۵ ساعت به ۸ ساعت، دست به اعتصاب زدند. تنها در شهر شیکاگو، ۴۰ هزار کارگر در اعتصاب شرکت داشتند. روز دوم، تعداد کارگران اعتصابی در این شهر به ۸۰ هزار نفر رسید.

وحشت سرمایه داران آمریکایی از مبارزات رو به اوج کارگران، آنان را به مقابله واداشت. روزنامه ی ارتجاعی «شیکاگو تریبون» نوشت: «اعصابیون اکثرا کمونیست... و تقریباً همه اجنبی هستند.» به دنبال آن، سرمایه داران آمریکایی نیروهای مسلح و سرکوب خود را به میدان فرستادند. پلیس سرکوب با انداختن بمب در صف خود و با دست خود، به بهانه ی این که کارگران اخلاکگر و خراب کارند و بمب به سوی پلیس پرتاب کرده اند، به صفوف آرام و متشکل کارگران حمله ور شد. نتیجه، ده ها کشته و زخمی و اعدام ۴۰ نفر از رهبران کارگران و شکست اعتصاب بود.

در سال ۱۸۸۹، کنگره ی دوم بین الملل کارگران در پاریس قطعنامه ای انتشار داده و در آن قطعنامه، اول ماه مه، روز جشن هم بستگی جهانی کارگران اعلام شد.

در سال ۱۸۸۹، جشن اول ماه مه در شهرهای فرانسه، آلمان، بلژیک، هلند، آمریکا، سوئد، نروژ و اسپانیا با تظاهرات عظیم کارگری برپا شد. در این روز، «کارگران اروپا و آمریکا نیروهای مبارزاتی شان را به نمایش گذاشتند و برای اولین بار در یک صف و در زیر یک پرچم بسیج شدند. نمایش این روز به سرمایه داران و مالکان زمین همه ی کشورهای جهان نشان داد، که کارگران سراسر جهان واقعا متحدند.»

خون کارگران آمریکایی در سراسر جهان شکوفه زد و بر پرچم کارگران نقش بست. خون کارگران آمریکایی هم چون لاله های سرخ سراسر جهان کار را فرس کرد و روز اول ماه مه، روز هم بستگی جهانی کارگران، روز صف آرابی متشکل بین المللی کارگران، روز نمایش سپاه کار جهانی، روز تجدید عهد و پیمان کارگران جهان در راه تشکل طبقه ی کارگر جهانی و محو استثمار، روز جشن جهانی کارگران، است.

## برگزاری جشن اول ماه مه در جنبش کارگری ایران

اولین بار جبهه ی مبارزه برای به رسمیت شناختن جشن اول ماه مه، روز هم بستگی جهانی کارگران، پس از جنگ جهانی اول در ایران آغاز شد و نخستین جشن رسمی کارگران در سال ۱۲۹۹ با شرکت هزاران نفر کارگر به ابتکار شورای مرکزی اتحادیه ی کارگران ایران - که نماینده ی کارگران ۲۵ اتحادیه ی کارگری آن زمان بود - برگزار شد. این جبهه در تمام طول رژیم رضاخانی هم چنان گشوده ماند. از جمله در سال ۱۳۰۵، ۷۰۰ الی ۸۰۰ کارگر به صورت گروه های سه الی چهار نفری مخفیانه اول ماه مه را در باغی در دروازه ی دولت تهران جشن گرفته و هم بستگی خود را با کارگران جهان اعلام نمودند. پلیس به این اجتماع حمله کرده و ۱۰۰ نفر از کارگران را دستگیر کرد.

سال ۱۳۰۸، اتحادیه ی کارگران نفت جنوب - که در سال ۱۳۰۴ تشکل شده بود - برای تجدید نظر در قرارداد و امتیازات نفت جنوب و خواست های دیگر از جمله به رسمیت شناخته شدن روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)، روز جشن هم بستگی کارگران جهان، تصمیم به اعتصاب گرفت. کمپانی نفت انگلیس به وحشت افتاده و بر علیه کارگران دست به کار شد و کوشید تا با دستگیری ۲۳ نفر از فعالین کارگری مانع اعتصاب شود، ولی اعتصاب با خواست های بیش تری در روز ۴ ماه مه به وقوع پیوست. پلیس سرکوب گر رضاخان به اعتصابیون حمله نموده و در نتیجه ۲۰ کارگر و ۱۵ پلیس زخمی شدند. اعتصاب ۳ روز طول کشید، ولی پلیس با دستگیری، تبعید و زندانی کردن حدود ۲۳۲ نفر و اخراج ۵۰۰ نفر از کارگران مانع پیروزی اعتصاب شد. (۵ نفر از کارگران اعتصابی تا زمان فرار رضاخان هم چنان در زندان باقی ماندند). در همین سال، ۴۰۰ نفر از کارگران کارخانه ی وطن اصفهان در روز اول ماه مه دست به اعتصاب زدند و موفق شدند که ساعات کار را از ۱۲ ساعت به

۹ ساعت کاهش دهند. اما باز هم موفق به رسمی کردن جشن روز جهانی کارگران، به عنوان تعطیلات رسمی، نشدند. سال ۱۳۱۰، کارگران قالی باف خراسان مراسم جشن اول ماه مه را به صورت مخفی در «کوه سنگی» برگزار کردند. در همین سال، کارگران اصفهان در روز کارگر تظاهراتی در خیابان چهارباغ انجام داده و با شعار «زنده باد اتحاد تمام کارگران جهان» دست به راه پیمایی زدند.

سال ۱۳۱۷، عده‌ی کثیری از کارگران چاپ خانه‌ها در یکی از رستوران‌های تهران به همراه خانواده‌های خود و با شرکت نمایندگان صنف چاپ، روز اول ماه مه را جشن گرفتند، که با هجوم ماموران شهربانی و دستگیری عده‌ای از کارگران، جشن ناتمام به پایان رسید.

در اوج جنگ جهانی دوم و ورود متفقین به ایران در شهریور ۱۳۲۰، جبهه‌ی نبرد بعدی گشوده شد. در اثر دمکراسی نیم بندی که به وجود آمد، دولت تحت فشار کارگران مجبور شد روز اول ماه مه را تعطیل رسمی اعلام کند.

سال ۱۳۲۳، کارگران با تظاهرات ۱۰۰ هزار نفری در تهران و ۲۵۰ هزار نفری در شهرستان‌ها، هم بستگی بین‌المللی خود را با کارگران سراسر جهان اعلام کردند.

در سال ۱۳۲۵، مزدوران رژیم شاه در جشن اول ماه مه به کارگران کرمانشاه تیراندازی کردند و با سرنیزه به کارگران یورش برده و آن‌ها را زخمی کردند. اما کارگران در حالی که تیر خورده بودند، به مزدوران شاه فریاد می‌زدند: «بزنید، بریزید خون ما را، این خون‌های ما از آن خون‌هایی است که از هر قطره‌اش هزاران نفر کارگر با شهامت از این سرزمین مقدس می‌رویند، که انتقام ما را می‌گیرند.» در همین روز، ابراهیم فoadی - کارگر آذربایجانی که تیر خورده بود - فریاد زد: «رفقا تکان نخورید، من آذربایجانی هستم و از این گلوله‌ها نمی‌ترسم.»

سال ۱۳۲۵، اتحادیه‌ی کارگران نفت جنوب روز اول ماه مه را به صورت علنی جشن گرفت، که بیش از ۸۰ هزار کارگر و کارمند در این مراسم شرکت کردند. و بالاخره در همین سال ۱۳۲۵، روز اول ماه مه روز تعطیل رسمی با پرداخت حقوق و مزایا شناخته شد. هم چنین قانون ۸ ساعت کار در روز و یک روز تعطیل در هفته تصویب شد.

سال ۱۳۳۰، جشن‌های اول ماه مه به صورت سراسری در سطح ایران به صورت باشکوهی اجرا شد. نتیجه‌ی کوتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سقوط حکومت مصدق و سرکوب مبارزات کارگران، زحمت کشان و آزادی خواهان ایران بود. در سال‌های بعد از کودتا، رژیم سفاک پهلوی برای توهین به کارگران، رسماً تعطیل روز اول ماه مه را ملغی کرده و روز تولد رضاخان (۲۴ اسفند) را روز کارگر اعلام کرد. ولی کارگران مبارز و آگاه غالباً در این روز سر کار حاضر می‌شدند، اما روز اول ماه مه را تعطیل می‌کردند و این در زمانی بود که تعطیل روز اول ماه مه کم‌ترین تنبیه‌اش جریمه و حتا اخراج کارگران بود و کارگران به این وسیله نفرت طبقاتی خود را از رژیم سرکوب‌گر شاه نشان می‌دادند. در شرایط اختناق پلیسی بعد از کودتای ۲۸ مرداد، زمانی که تنها سخن از روز کارگر هم جرم بود، سندیکاها و اتحادیه‌های واقعی به صورت مخفی و با ابتکارات خود کارگران، اول ماه مه را جشن می‌گرفتند. از جمله سندیکاهایی که طی این سال‌ها سیاه استبدادی، مراسم اول ماه مه را به صورت مخفی برگزار می‌کردند، عبارت بودند از: سندیکای چاپخانه‌ها، سندیکای فلزکار مکانیک، سندیکای خبازان، سندیکای کارگران خیاط و صنعت‌گران نفت جنوب، که معمولاً از روزهای ۶ و ۷ اردیبهشت به تدارکات جشن پرداخته و در روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) سندیکا را با شعارها و پوستره‌های مخصوص این روز تزئین می‌کردند. این مبارزات به اشکال مختلف ادامه یافت، تا آن‌جا که حتا رژیم شاه پس از سال ۵۲ زیر فشار مبارزات کارگران مجبور به تعطیل رسمی ۱۱ اردیبهشت و به رسمیت شناختن مجدد روز کارگر گردید.

رژیم شاه تلاش می‌کرد تا از روز اول ماه مه هم به نفع نظام خود استفاده کند، چنان‌که از نمایندگان فرمایشی و قلابی کارگران می‌خواستند که در این روز برای دست‌بوسی نزد شاه بروند، ولی کارگران مبارز و آگاه هیچ‌گاه به این ننگ و نفرت تن ندادند. بعد از ۲۵ سال اختناق و سرکوب رژیم ضد خلقی شاه مزدور و پس از پیروزی قیام بهمن، جبهه‌ی جدیدی گشوده شد تا عید انقلابی کارگران جهان، با شکوه‌تر جشن گرفته شود.

جبهه‌ی سوم نبرد بعد از سرنگونی رژیم سلطنتی شاه و دوران حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی بود. در روز اول ماه مه سال

۵۸، تظاهرات عمومی کارگران در اکثر شهرها بر پا شد. اما عمدتاً به دلیل:

۱- عدم وجود تشکیلات توده ای کارگری؛

۲- بی برنامه‌گی و عدم برنامه ریزی تشکیلاتی از پیش؛

۳- عدم پیش بینی‌های لازم از قبل جهت تدارک برگزاری این جشن و نادیده گرفتن جای مشخصی برای برگزاری جلسات تدارکاتی و اولیه؛

۴- پافشاری گروه‌ها و دستجات مختلف سیاسی برای رقابت‌ها و تبلیغات گروهی با در نظر گرفتن پلاکاردهای گروه یا سازمان؛

۵- دخالت و کارشکنی احزاب حکومتی و احزاب ضد کارگری و ضد خلقی و وابسته و شناگوی حکومت؛

نیروهای ضد کارگری و ضد خلقی فرصت یافتند از این ضعف‌ها به نفع خود استفاده کنند و در هر گوشه دست به انواع توطئه بزنند. اما اولین نمایش قدرت سراسری کارگران در جشن روز اول ماه مه سال ۵۸، به کارگران سراسر ایران اجازه داد، تا چهره‌ی ضد کارگری رژیم و عوامل او را از نزدیک بشناسند. شرح اعمال توطئه‌گراانه و سرکوب‌گراانه‌ی رژیم حاکم و دار و دسته‌ی او باشش در برخورد با روز جشن کارگران را مختصراً می‌آوریم.

در تهران، نیروهای سیاسی حاکم و وابسته به حکومت و همه‌ی دشمنان طبقه‌ی کارگر سعی در چند پاره کردن صف طبقه‌ی کارگر نمودند و تظاهرات و راه پیمایی کارگران عملاً در سه مرکز تهران برگزار شد. بعد از کش و قوس‌های فراوان، شورای هماهنگی جشن اول ماه مه، مسئولیت برگزاری جشن یک بخش از کارگران را به عهده گرفت. راه پیمایی از خانه‌ی کارگر آغاز شد. وجه مشخصه‌ی این صف این جا و آن جا تاکید بر منافع مستقل کارگری و غیر وابسته بودن راه پیمایان به رژیم حاکم بود. در تمام طول راه پیمایی، صد نفری از اوباشان رژیم جمهوری اسلامی با شعار «حزب فقط حزب الله»، «کمونیست نابود است، منافق نابود است»، به صفوف راه پیمایان حمله کرده و کوشیدند با ایجاد سد معبر مسیر راه پیمایان را مسدود نمایند. اما با همه‌ی توطئه‌ها و تحریکات اوباشان حکومتی، کارگران با شعار «اتحاد، اتحاد، کارگران اتحاد» توانستند اعمال ضد کارگری اوباشان را خنثی نموده و با نشستن روی اسفالت خیابان‌ها و خواندن قطعنامه‌ی خود توطئه‌ی دشمنان خود را خنثی کنند و مراسم را پایان دهند. در مسیر راه پیمایی، عابرین و ساکنین محل با ریختن گل از راه پیمایی کارگران استقبال می‌کردند.

شیراز: به دعوت شوراهای کارگری کارخانجات شیراز در یکی از دانش‌کده‌های شیراز، جشن روز کارگر با حضور ۱۲ هزار نفر برگزار شد، که با حمله‌ی اوباشان حکومتی روبرو شد.

تبریز: کارگران تبریز برای بزرگ داشت روز کارگر در باغ گلستان جمع شدند و از آن جا به سوی باغ شمال راه پیمایی کردند. جمعیت راه پیمایان به ۵۰ هزار نفر می‌رسید. اوباشان حکومتی با شعارهای تفرقه اندازانه کوشیدند، تا مانع برگزاری این راه پیمایی گردند. آن‌ها به پوسترها و پلاکاردهای کارگران حمله کرده و ضمن مجروح کردن تعدادی از کارگران به وسیله‌ی چوب و چماق، هم چنین با ریختن آب و شن به روی زنان کارگر، ماهیت واقعی ضد کارگری خود و اربابان خود را نشان دادند.

اهواز: کارکنان اهواز برای بزرگ داشت روز کارگر، ساعت ۴ بعدازظهر از فلکه‌ی زیتون کارگر به طرف باشگاه کارکنان نفت اهواز راه پیمایی کردند. اوباشان ضد کارگر با چوب و چماق به راه پیمایی کارگران حمله کرده و ۸ تن از کارگران را مجروح نمودند، اما علی‌رغم حملات وحشیانه‌ی اوباشان، مراسم جشن روز کارگر با اجرای نمایش نامه‌ی توسط خود کارگران تا ساعت ۷/۵ غروب ادامه پیدا کرد.

اصفهان: کارگران برای بزرگ داشت روز کارگر در خانه‌ی کارگر جمع شده و سخن رانی‌هایی ترتیب دادند. اوباشان ضد کارگر به مراسم کارگران حمله نموده و تجمع کارگران را بهم زدند.

ارومیه: کارگران برای جشن روز اول ماه مه در سالن باشگاه کارگران جمع شده و ضمن سخن رانی‌هایی در مورد اول ماه مه با خواندن سرودهای انقلابی و موسیقی عاشق‌ها کوشیدند تا این مراسم هر چه خاطره‌انگیزتر اجرا شود. اما این تجمع نیز

نیز بی نصیب از چوب و چماق عوامل مزدور رژیم حاکم نبود.

– رشت: راه پیمایی کارگران از دو نقطه شهر شروع شد. کارگرانی که مصمم به اجرای مراسمی با خواست های طبقاتی خود بودند، از دبیرستان آزادگان به سوی پارک شهر راه پیمایی کردند. جمعیت راه پیمایان به بیش از ۶۰ هزار نفر می رسید. کارگران در مسیر راه پیمایی، شعار «کاخ ظلمه فوکونیم، امه حقه فگیریم، نشیمی زیر بار ستم، چره کی کارگیریم» (کاخ ظلم را برمی اندازیم، حقمان را می گیریم، زیر بار ستم نمی رویم، چون که کارگیریم) را می دادند. تلاش نیروهای ضد کارگر و مرتجع (حزب جمهوری اسلامی با هم کاری حزب ملت ایران و جبهه ی ملی) برای پاره پاره کردن صفوف کارگران شروع شد. سرانجام کارگران در دو مرکز تجمع کردند، که در یکی از آن ها مزدوران رژیم صحنه گردان بودند و در دیگری کارگران قطعنامه ی خود را خواندند.

– آبادان: اول ماه مه، جشن کارگری را کارگران آبادان با خواندن شعارهای «اول ماه مه و جشن جهان است امروز، روز فتح و ظفر کارگران است امروز» و با راه پیمایی برگزار کردند. اما این راه پیمایی هم از حمله ی اوباشان بی نصیب نماند. عصر همان روز از طرف سندیکای پروژه ای آبادان یک راه پیمایی ده هزار نفره دیگر برگزار شد. مسیر راه پیمایی از محل سندیکای کارگران پروژه ای تا استادیوم تختی بود. ابتدا کارگران برای بزرگداشت خاطره ی کارگران شهید اول ماه مه یک دقیقه سکوت اعلام کردند و سپس راه پیمایان به سوی استادیوم تختی حرکت نمودند. در این استادیوم، شیخ رفسنجانی سخن رانی می کرد. او ضمن حمله به کارگران بیکار و پروژه ای، آنان را عامل سازمان جاسوسی سیای آمریکا و اردشیر زاهدی معرفی کرد و کارگران مبارز را که برای کسب حقوق حقه خود دست به اعتصای یا تحصن یا راه پیمایی می زنند، ضد انقلابی خواند. اما این تنها شیخ رفسنجانی نبود که علیه کارگران شمشیر می کشید، بلکه شعبه ی دفتر جمهوری اسلامی، رادیو تلویزیون محلی، مطبوعات وابسته ی محلی، و کمیته ی امام منطقه هم با انواع توطئه ها به سرکوب جشن کارگران برخاستند.

کارگران پروژه ای با شعار «سندیکا صوت الحریه» (سندیکا صدای آزادی است) و «سندیکا عزالهییه» (سندیکا شکوه و جلال است) به سوی استادیوم تختی می رفتند. در طول مسیر اوباشان ضد کارگر وابسته به رژیم، چماق داران مرتجع، چاقوکشان و تعدادی ساواکی به همراه کمیته چی های ۳\_۳ به دست کوشیدند درگیری ایجاد کنند و انواع توطئه ها را برای متفرق کردن راه پیمایان انجام دادند، اما کارگران توانستند خود را به استادیوم تختی برسانند. شیخ موسوی، رئیس حزب جمهوری اسلامی آبادان، به کارگران پروژه ای اجازه نداد قطعنامه ی خود را بخوانند. در عوض، خودش قطعنامه ی حزب جمهوری اسلامی را خواند، که در آن قطعنامه خواسته شده بود روز جهانی کارگر باید به روزی غیر از اول ماه مه تغییر یابد.

– کرمانشاه: برای گرامی داشت روز جهانی کارگر بیش از ۶۰ هزار نفر از کارگران و زحمت کشان در میدان جوانشیر کرمانشاه جمع شدند. اوباشان رژیم جمهوری اسلامی با چوب و سنگ و بطری شکسته به اجتماع کنندگان حمله کرده، که این حملات زخمی شدن ۴۱ نفر را به دنبال داشت.

در شهرهای دزفول، آمل، بابل، ساری، گرگان، قائم شهر، اردبیل، بروجرد، مشکین شهر، میاندوآب، همدان، و پارس آباد مغان نیز مراسم بزرگ داشت روز کارگر، هم راه با تهاجم و حملات اوباشان ضد کارگر بوده است.

برگزاری جشن اول ماه مه در کردستان و در میان خلق دلیر کرد با استقبال باشکوهی هم راه بود. چنان که در بیش از پنج شهر کردستان، کارگران و دهقانان زحمت کش با نظم سازمان یافته، مراسم روز هم بستگی جهانی کارگران را گرامی داشتند و مانع از هر گونه دخالت عناصر ضد کارگر و اوباشان در برهم زدن جشن گردیدند.

روز جهانی کارگر از طرف کارگران و زحمت کشان در شهرهای کرج، زاهدان، گنبد، بلوچستان، کرمان، و بجنورد نیز هم راه با هزاران شرکت کننده و با برپایی اجتماعات و سخن رانی و راه پیمایی ارج گذاشته شد.

\* \* \*

فریاد کارگران قهرمان شیکاگو از دور دست تاریخ به گوش می رسد.

امسال جشن روز اول ماه مه، روز جهانی کارگران، دوباره در پیش روی طبقه ی کارگر ایران است. دشمنان کارگران و همه ی نیروهای ضد خلق از نو در برابر کارگران صف کشیده اند. طی سال گذشته، شورای انقلاب و وزارت کار علاوه بر همه ی قوانین

و مقررات و اعمال ضد کارگری، روز ۱۱ اردیبهشت (روز جهانی کارگران) را ممنوع اعلام کردند. و بدین ترتیب، سال گذشته رژیم جمهوری اسلامی ایران و رژیم دیکتاتوری نظامی شیلی تنها دو کشوری بودند که روز کارگر را لغو کردند. در جلسه ی چهارم «کنگره ی سراسری شوراهای اسلامی کارخانجات»، در مسجدالجماد، کارگری از نعمت زاده (وزیر کار) پرسید چرا ۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگران، را از تعطیلات کارگری حذف کردید؟ وزیر کارفرما در جواب گفت: «چون جامعه ی ما یک جامعه ی اسلامی و روز کارگر هم روز عزیزی است و به عزیزی روز کارگر بود، که پیامبر اکرم دست کارگر را بوسه زد و ما چون پیروان آن حضرتیم، تمام روزهای سال را روز کارگر می دانیم. یعنی ۳۶۵ روز سال از نظر ما روز کارگر است، پس دلیلی ندارد که ۱۱ اردیبهشت را روز کارگر بدانیم.» در دومین جلسه ی «سمینار شوراهای وزارت کار»، کارگری از دانش مند (مسئول امور بررسی شوراهای وزارت کار) پرسید چرا ۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگران، را از تعطیلات حذف کردید؟ دانش مند جواب داد: «چون ما می خواهیم جامعه ی بی طبقه ی توحیدی برقرار کنیم. در این جامعه، همه یکی هستند. یکی کارگر است و دیگری کارمند. از همین الان این روابط را شروع می کنیم به در هم ریختن و بنابراین، دیگر روز کارگر هم نداریم و حذف شده است.»

کارگران! چرا ستم گران از جشن ستم کشان، از روز هم بستگی جهانی کارگران، هراسانند؟ وحشت از چیست، که وزیر کارفرما پشت حدیث «بوسه ی پیامبر به دست کارگر»، چهره ی ضد کارگری خود را پوشانده است و به دروغ تمام ۳۶۵ روز سال را روز کارگر وعده می دهد. وحشت از چیست، که آن دیگری از پشت کاخ سرمایه داران در مقابل خواست تاریخی کارگران صحبت از جامعه ی بی طبقه ی توحیدی می کند؟ وحشت از چیست، که شورای انقلاب، رفسنجانی ها، حزب جمهوری اسلامی ها، اوباشان حکومتی، روز جهانی کارگران را حذف کرده اند؟ راستی وحشت از چیست، که آن ها از هم اکنون به نماز وحشت ایستاده اند؟ برای ستم گران، کشتار و سرکوب کارگران پراکنده و جدا از هم، کارگران منفرد و غیر متشکل، بسیار آسان است و این اعمال جنایت کارانه ای است که در هر روز و هر ساعت در هر گوشه ای از سراسر پهنه ی ایران صورت می گیرد. برای ستم گران، سرکوب مبارزات کارگران، روز جشن جهانی سرمایه داران است و «بدین دلیل است، که تمام روزهای سال ایران به نظر رژیم حاکم، روز کارگر است». آن ها از ناآگاهی ما، از جدایی ما، از تفرقه ی بین ما بهره می برند و تا چنین است، آن ها هر روز جشن طبقاتی خود را با رقص و پایکوبی انجام می دهند. اما غول خفته مدتی است بیدار گردیده است. قد برافراشته است. وحشت ستم گران از این است: وحشت از غولی که به پا خواسته، وحشت از کارگران، وحشت از اتحاد و آگاهی کارگران، وحشت از تشکیلات کارگری، وحشت از قدرت یک پارچه و متشکل شده ی کارگران در سازمان خودشان، وحشت از اتحاد انقلابی کارگران با همه ی زحمت کشان و ستم دیدگان جامعه، وحشت از پیروزی زحمت کشان و کارگران، وحشت از گورکن جامعه ی ستم گران.

کارگران! برای برگزاری هر چه باشکوه تر جشن اول ماه مه قدم پیش بگذاریم. جبهه ی مبارزه ی کارگران علیه ستم و استثمار را وسعت بخشیم. روز اول ماه مه را جدا از وابستگی های نژادی، مذهبی، ملیتی، و... جشن بگیریم و هر نیرویی که بخواهد با تکیه بر هر یک از مسایل فوق عوام فریبانه خود را طرفدار کارگران جا بزند را افشا کنیم. برای تهیه ی مقدمات برگزاری جشن در هر واحد تولیدی، هر صنف و هر استان، کمیته ی هماهنگی ایجاد کنیم. در سطح شهر یا منطقه به تهیه ی مکانی برای برگزاری جلسات تدارکی بپردازیم.

\* \* \*

به نقل از: «خبر کارگر»، شماره ی ۸، فرودین ۱۳۵۹،